



کورش بزرگ (کورش شناسی)

پانته آ و کورش بزرگ (تحریف نوشته های گزنفون توسط ایران ستیزان)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ - ۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

نویسنده: فریدون فرمزار حتما داستان پانته آ و کورش به گوشتان خورده است. داستانی سرشار از مفاهیم انسانی! به راستی عشق و وفاداری پانته آ در این داستان مثال زدنی است. صرف نظر از قابل اثبات بودن این داستان از نظر تاریخی، تحریف این داستان توسط غیاث آبادی بسیار غم انگیز است چرا که انسان می فهمد چطور چگونه تخریب گرایان احساس و عاطفه را نابود می کند. البته آقای غیاث آبادی در یک کار حساب شده نامی از پانته آ نبرده است اما بخش هایی که به آن استناد می کند مرتبط با پانته آ می باشد. او می دانسته که اگر نامی از

پارسیان دژ / کوروش بزرگ (کوروش شناسی)



نویسنده: فریدون فرمزار

حتما داستان پانته آ و کوروش به گوشتان خورده است. داستانی سرشار از مفاهیم انسانی! به راستی عشق و وفاداری پانته آ در این داستان مثال زدنی است. صرف نظر از قابل اثبات بودن این داستان از نظر تاریخی، تحریف این داستان توسط غیاث آبادی بسیار غم انگیز است چرا که انسان می فهمد چطور چکمه تخریب گرایان احساس و عاطفه را نابود می کند.

البته آقای غیاث آبادی در یک کار حساب شده نامی از پانته آ نبرده است اما بخش هایی که به آن استناد می کند مرتبط با پانته آ می باشد. او می دانسته که اگر نامی از پانته می آورد همه متوجه می شدند که سخنانش نادرست است.

گرفته شده از: پردیس اهورا

نویسنده: مجید خالقیان

بر اساس کوروش نامه ی گزنفون، رفتار کوروش با این بانو بسیار جوانمردانه و انسانی بود و نگذاشت کسی او را اذیت کند تا شوهرش بازگردد. همین موضوع کاری کرد که شوهر این بانو برای سپاس گذاری از کوروش به خدمت کوروش در بیاید. اما متأسفانه آقای غیاث آبادی اصلاً چیز دیگری را القا کرده است:

یکی از منابعی که برای وصف سجایای کورش و بخصوص بخشنده‌گی‌های او بدان استناد می‌شود، کورش‌نامه گزنفون است. اما در این استنادها معمولاً به بازگویی بخش‌های دلپسند آن اکتفا می‌شود و جزئیات این «بخشنده‌گی» دقیقاً مشخص نمی‌شود...

یکی دیگر از زنان تحت تملک کورش، همسر مردی به نام آبراداتاس بود. آبراداتاس به عنوان سفیر به باختر/

باکتریا گسیل شد و زنش برای کورش تصرف گردید. محافظی که کورش مأمور مراقبت از این زن و دیگر زنان اسیر کرده بود، به او می‌گوید: «هیچ غصه مخور که ما تو را به خدمت کسی می‌بریم که حکمفرمای همه ماست و نامش کورش است». زن با شنیدن این جمله شروع به شیون و ناله و زاری می‌کند و بر سر خویش می‌کوبد. زنان اسیر دیگر نیز با او در مویه و شیون همراهی می‌کنند و ناله و تضرع سر می‌دهند.

تأثیر این ناله و استغاثه‌ها فقط همین بود که محافظ زنان برای کورش خبر ببرد که: «در حین تضرع و بر سر کوفتن زن آبراداتاس، گردن و بازوی بلورینش بیرون افتاد و چون قطعه‌ای جواهر بدرخشید. به تو اطمینان می‌دهم که در سراسر آسیا اندامی به این رعنائی و ملاححت نخواهی یافت»...

بنگريد به: رنج‌های بشری ۱۷۵: زنان و چگونگی بخشندگی‌های کورش، رضا مرادی غیاث آبادی، پنجشنبه ۸ تیر ۱۳۹۱

چقدر یک نفر باید سنگ دل باشد که چنین نگاهی به این داستان لطیف و عاشقانه داشته باشد! داستان پانته آ یکی از مشهور ترین داستان های تاریخی است که به صورت مفصل در کوروش نامه ی گزنفون بیان شده است. تعجب می کنم که چطور آقای غیاث آبادی دیگران را به «بازگویی بخش‌های دلپسند» محکوم می کنند در شرایطی که در این نوشتارشان این روند کاملاً برای ایشان مشهود است!

باز هم تحریف هایی در بیان جملات آراسپ که غیاث آبادی وی را «محافظ زنان» معرفی کرده است؛ وجود دارد. اما به دلیل رعایت اختصار از بررسی تک تک جملات صرف نظر می کنیم.

جالب آنکه بعد از آنکه آراسپ از زیبایی های پانته آ می گوید، کوروش از دیدن پانته آ صرف نظر می کند و می گوید: اگر این سان است که می گویید، بهتر تا وی را نینم.

«چرا؟» پرسید آن مرد جوان[منظور آراسپ یا به قول غیاث آبادی محافظ زنان است]

«ازیرا، که اگر شنودن داستان زیبایی وی تواند مرا امروز به رفتن و دیدار وی کشاند، امروز که زمانی ام نیست تا پشت خویش بخارم، ترسم وی آن چنان از من دل رباید که تا جاودان جاوید خیره بر وی بنشینم و بفراموشم هر کار دیگر مراست...»

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۵، بخش ۱، بند ۸، ترجمه ابوالحسن تهامی

آن شیون ها و زاری این بانو برای زمانی بود که هنوز با کوروش آشنا نشده بود و شاید تصور می کرد کوروش هم مانند دیگر فاتحین با وی برخورد خواهد کرد. اما بعد از آنکه این نیک سیرتی فوق العاده ی کوروش را مشاهده کرد

به شوهرش اینچنین درباره کوروش گفت:

همیشه سپاس بزرگمان به کوروش را به یاد خواهم سپرد، که چون به دست وی گرفتار آمدم او می توانست مرا چون تاراج و بهره ی جنگ ببندارد و از آن خویش کند، چنان والا بود منش و اندیشه ی وی که مرا نه چون بندگان پنداشت، و نه یله کردم تا چون آزاد زنی روم به سرافکندگی؛ وی در پناه گرفت مرا و رهانید از خطر تا تو باز آیی، آن سان که گویی برادر وی را من همسرم...

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۶، بخش ۴، بند ۷، ترجمه ابوالحسن تهامی

پانته آ نماد وفا داری است و این داستان زیبا در طول تاریخ مورد توجه مردمان بوده است. به قول آقای Dakyns، «هر گاه سخن از پانته آ می آید، خواننده بیش تر شیفته وی می شود.»

باید از آقای غیاث آبادی پرسید که در اینجا چه کسی «به بازگویی بخش‌های دلپسند» کوروش نامه گزنفون می پردازد؟!

مطلب کامل: این نوشتار تنها بخشی از یک نوشتار کامل پیرامون تحریف نوشته های گزنفون توسط رضا مرادی غیاث آبادی بود.

غیاث آبادی و مصادره اسناد تاریخی

متن برگرفته از سایت ((نقد رضا مرادی غیاث آبادی)) نویسنده مجید خالقیان

نگاه کنید به: پانته آ و غیاث آبادی (تحریف نوشته های گزنفون توسط غیاث آبادی)

این متن در راستای سیاست جدید پارسیان دژ در این سایت قرار گرفته است.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «پانته آ و کوروش بزرگ (تحریف نوشته های گزنفون توسط ایران ستیزان)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

[https://parsiandej.ir/articles/1840/pdf/پانته-آ-کوروش-بزرگ-تحریف-نوشته-های-گز/](https://parsiandej.ir/articles/1840/pdf/پانته-آ-کوروش-بزرگ-تحریف-نوشته-های-گز/https://parsiandej.ir/articles/1840/pdf/)

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵